

الگوی مدیریت سود در چرخه عمر شرکت

حمیده اثنی‌عشری*

استادیار، حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

مهدی نادری نورعینی

استادیار، حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران

چکیده

مدیریت سود و الگوی‌های آن از موضوعاتی است که همواره از سوی نهادهای ناظر و محققان مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، شناخت عوامل موثر بر رفتار گزارشگری مالی مدیران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش، الگوی مدیریت سود در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت و نقش دورنمای رشد بر آن بررسی شد. به این منظور، اقلام تعهدی اختیاری و رفتار چسبنده هزینه به ترتیب برای سنجش الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی بکار گرفته شد. مراحل چرخه عمر شرکت نیز با استفاده از خالص جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی، تامین مالی و سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری گردید. در این راستا، داده‌های ۱۴۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۴ (۱۱۹۲ شرکت - سال) با در نظر گرفتن برخی ویژگی‌ها آزمون شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تصحیح خطاهای استاندارد استفاده شد. نتایج نشان داد شرکت‌ها در مراحل ظهور و افول بیشتر الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را بکار می‌گیرند؛ در حالیکه در مراحل رشد و بلوغ، فعالیت‌های واقعی نقشی غالب در مدیریت سود بر عهده دارند؛ بعلاوه، هر چه دورنمای رشد شرکت‌های واقع در مراحل رشد و بلوغ افزایش یابد، سهم اقلام تعهدی در مدیریت سود افزایش می‌یابد.

واژگان کلیدی: چرخه عمر شرکت، دورنمای رشد شرکت، مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی.

* ایمیل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: hamideh_181363@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۸/۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۳/۲۱

مدیریت سود یکی از جریان‌های اصلی تحقیقات در ادبیات گزارشگری مالی است و تحقیقات متعددی در خصوص آن صورت گرفته است؛ فرض زیربنایی در اغلب تحقیقات این حوزه آن بوده است که مدیران بنگاه‌های تجاری برای دستیابی به اهداف معینی ممکن است محتوای گزارشات مالی را مدیریت کنند. چنین مدیریتی می‌تواند به اتکای فعالیت‌های واقعی و یا اقلام تعهدی صورت پذیرد. اقلام تعهدی در قالب دو اصل تطابق و تحقق به گزارش‌های مالی وارد شده‌اند. این اقلام تلاش می‌کنند به پیش‌بینی وضعیت اقتصادی شرکت در آینده یاری رسانند (چن، ۲۰۰۹: ۱). مدیران در مدیریت اقلام تعهدی از انعطاف‌پذیری استانداردهای گزارشگری مالی در تصویر عملکرد شرکت به اتکای نقش قضاوت استفاده می‌کنند تا بر سود گزارش شده در دوره‌های مختلف اثر بگذارند بی‌آنکه الگوی جریان‌های نقدی تغییر کند. این در حالیست که سود شرکت گاه به واسطه تغییر زمان انجام فعالیت‌های عملیاتی و یا ترکیب فعالیت‌های شرکت نیز مدیریت می‌شود. شناخت زود هنگام (دیر هنگام) درآمد، شرایط فروش اعتباری سهل‌تر (سخت‌تر)، تولید بیشتر (کمتر)، کاهش (افزایش) بهای تمام‌شده محصول و کاهش (افزایش) هزینه‌های تحقیق و توسعه و تبلیغات از جمله فعالیت‌هایی واقعی است که مدیر را در مدیریت سود یاری می‌کند.

اگرچه تحقیقات کمی در خصوص چگونگی ترکیب این دو الگوی مدیریت سود صورت پذیرفته اما نتایج مطالعات حاکی از آن است مدیر از هر دو الگوی فعالیت‌های واقعی و اقلام تعهدی برای مدیریت سود بهره می‌جوید (کوهن، ۲۰۱۶: ۱)؛ با وجود آنکه هزینه‌های مدیریت سود با استفاده از فعالیت‌های واقعی در مقایسه با اقلام تعهدی بیشتر است اما گاهی انعطاف‌ناپذیری استانداردهای حسابداری، نظارت بیشتر و انتظارات بازار، مدیران را به سوی مدیریت واقعی سود سوق می‌دهد. ضمن آنکه مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در بلندمدت آثاری معکوس دارد (گانی، ۲۰۱۰: ۸۵۶). تصمیمات مدیریت در انتخاب الگوی مدیریت سود بر محور عواملی چون دورنمای رشد شرکت، انگیزه‌های پاداشی مدیران و هزینه اجرای فعالیت‌های واقعی گرفته می‌شود؛ این عوامل از ویژگی‌های شرکت اثر می‌پذیرند. چرخه عمر شرکت، یکی مهمترین ویژگی‌هایی است که بر محیط عملیاتی شرکت و ابهام‌های پیش‌روی مدیر موثر است. زیرا آنچه مراحل مختلف چرخه عمر شرکت را شکل می‌دهد شرایط داخلی شرکت (از قبیل راهبردهای شرکتی، توانمندی‌های مدیریتی، منابع داخلی) و محیط بیرونی آن (شامل وضعیت رقابتی و متغیرهای کلان اقتصادی) است (دیکسون، ۲۰۱۱: ۱۹۶۹)؛ محققان هم نشان داده‌اند پایداری سود، حاشیه سود، کارآمدی عملیات و رشد آتی سود در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت متفاوت است (دراک، ۲۰۱۵). به گونه‌ای که شرکت‌هایی که مراحل اولیه چرخه عمر خود را سپری می‌کنند سود ناپایدارتری دارند؛ اما در عین حال مدیران این شرکت‌ها به رشد آتی سود امیدوارند و همین موضوع بر تصمیمات

سرمایه‌گذاری و تامین مالی آنها اثر می‌گذارد. اما شرکت‌هایی که در سالهای میانی عمر خود قرار دارند، سود پایدارتری را تجربه می‌کنند و به علت کاهش دورنمای سودآوری، به دنبال کسب بازده بیشتر از سرمایه‌گذاری‌های فعلی‌شان هستند. با توجه به اثرپذیری تصمیمات مدیریت از ویژگی‌های شرکت و با عنایت به آنکه مراحل چرخه عمر شرکت یکی از مهمترین ویژگی‌هایی است که شرایط پیش‌روی مدیریت و چگونگی عملیات شرکت را تشریح می‌کند؛ بنابراین این ابهام حاصل می‌شود که: آیا مدیر الگوی مدیریت سود متفاوتی را در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت انتخاب می‌کند؟ الگوی مدیریت سود غالب در مراحل چرخه عمر شرکت کدام است؟ و آیا دورنمای رشد شرکت می‌تواند بر ترکیب الگوی مدیریت سود موثر باشد؟ این تحقیق بر آن است به پشتوانه نظریه‌های موجود به سوالات مطروحه پاسخ دهد. به این منظور، ابتدا مبانی مفهومی موضوع پژوهش بررسی می‌شود و سپس با انتخاب روش پژوهش مناسب، فرضیه‌ها آزمون می‌شوند، نتایج، تحلیل و تفسیر گردیده و پیشنهادهایی به استناد آنها ارائه خواهد شد.

۲- مبانی نظری، مرور پیشینه و فرضیه‌ها

در ادبیات نظری تلاش‌های فراوانی در تعریف مدیریت سود صورت گرفته است. برخی مدیریت سود را مداخله عمدی مدیر در فرایند گزارشگری مالی می‌دانند که با هدف کسب منافع شخصی انجام می‌شود (اسشپیر، ۱۹۸۹: ۹۲)؛ برخی آن را حاصل اعمال قضاوت مدیر در گزارشگری مالی می‌دانند که درک سرمایه‌گذاران از رویدادهای اقتصادی زیربنایی تحت پوشش گزارش را به شیوه نادرستی جهت می‌دهد و یا بر شاخص‌های مندرج در قراردادهای منعقد فی مابین شرکت و سایر دینفغان اثر می‌گذارد؛ عده‌ای دیگر نیز آن را رفتار منطقی و محافظه‌کارانه مدیر برای دستیابی به نتایج قابل پیش‌بینی و پایدار (و نه ابزاری برای گمراه‌کنندگی سود) می‌دانند؛ به همین سبب، در اینکه آیا مدیریت سود جزئی از تصمیمات معمول شرکت است و آیا به قصد فریب سرمایه‌گذاران انجام می‌شود توافق نظر چندانی وجود ندارد. با اینحال در یک نگاه کلی، تعاریف ارائه شده از مدیریت سود را می‌توان در سه دسته سفید، خاکستری و سیاه قرار داد. تعاریف دسته اول (سفید)، مدیریت سود را ابزاری می‌دانند که با انتقال اطلاعات محرمانه مدیر به سرمایه‌گذاران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بر شفافیت گزارش‌های مالی می‌افزاید. تعاریف دسته دوم (سیاه)، مدیریت سود را مجموعه روش‌هایی می‌دانند که مدیر از طریق آنها گزارش‌های مالی را به شیوه ای نامطلوب ارائه می‌کند و تعاریف دسته سوم (خاکستری)، مدیریت سود را اختیار انتخاب رویه‌های حسابداری می‌دانند که هم می‌تواند با مقاصد فرصت‌طلبانه بکار گرفته شود و منافع مدیر را ببینینه نماید و هم می‌تواند در راستای رفتار اقتصادی بکار رفته و منافع شرکت را تامین نماید (رنکین و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۵۶).

توانایی مدیر در مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی توسط عواملی به شرح زیر محدود می‌شود:

حسابرسی و کیفیت آن: حسابرسان به عنوان بازوی نظارتی، بکارگیری رویه‌های حسابداری و مبنای منطقی قضاوت‌های مدیریت را نظارت می‌نمایند؛ هر چه اندازه موسسه حسابرسی بزرگتر و ریسک حسن شهرت آن بیشتر باشد، توان بیشتری به کشف مدیریت اقلام تعهدی اختصاص داده می‌شود (جوستن، ۲۰۱۲: ۱۳).

انعطاف‌پذیری حسابداری: شیوه اعمال رویه‌های حسابداری و قضاوت‌های مدیریت در دوره‌های گذشته بر الگوی مدیریت اقلام تعهدی در دوره جاری اثرگذار است و آن را با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد؛ زیرا اقلام تعهدی در طی زمان روندی برگشت‌پذیر دارند. شایان ذکر است چرخه عملیاتی شرکت، دامنه این محدودیت را تعدیل می‌کند؛ به گونه‌ای که اقلام تعهدی با افزایش طول چرخه عملیاتی با شیب کمتری برگشت می‌شوند (ژانگ، ۲۰۱۲: ۶۷۷؛ جوستن، ۲۰۱۲: ۱۴).
بستر قانونی: تقویت بستر قانونی، نظارت نهادهای قانون‌گذاری را با هدف حفاظت از حقوق سهامداران توسعه داده و با افزایش هزینه‌های مدیریت اقلام تعهدی بر رفتار گزارشگری شرکت‌ها اثر می‌گذارد (جوستن، ۲۰۱۲: ۱۴).

عوامل بالا موجب می‌شوند مدیر از مجرای جریان‌های نقدی و از طریق عملیات واقعی تلاش کند سود دوره را مدیریت نماید؛ به این ترتیب، مدیر عملکرد شرکت را با اتخاذ تصمیماتی که در زمره تصمیمات عادی و عملیاتی شرکت قرار ندارند و کارآمد نیستند (از قبیل تصمیم‌گیری در خصوص مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات، سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مشهود)، تعدیل می‌کند که چنین اقداماتی، مدیریت سود از طریق عملیات واقعی نامیده می‌شود (جوستن، ۲۰۱۲: ۱۴؛ ژانگ، ۲۰۱۲: ۶۷۸).
اختیاراتی که مدیر در اخذ تصمیمات مربوط به تخصیص منابع دارد، موجب شده هزینه رفتار مشابهی را در برابر افزایش و کاهش درآمد نشان ندهد؛ به این معنی که سرعت افزایش هزینه در شرایطی که درآمد روند افزایشی دارد بیشتر از سرعت کاهش آن در شرایطی است که درآمد روندی کاهشی دارد. به بیان دیگر، هزینه در برابر تغییرات درآمد رفتاری نامتقارن را به نمایش می‌گذارد. این رفتار نخستین بار از سوی اندرسون و همکارانش (۲۰۰۳) مورد توجه قرار گرفت و از آن به چسبندگی هزینه یاد شد (بنکر و فانگ، ۲۰۱۳: ۱۰).

در پاسخ به اینکه چرا مدیران تصمیماتی می‌گیرند که رفتار چسبنده هزینه را نتیجه می‌دهد دو نظریه غالب به شرح زیر وجود دارد:

نظریه رفتار اقتصادی: که رفتار نامتقارن هزینه را نتیجه تصمیم منطقی مدیر در برابر هزینه‌های تعدیل منابع می‌داند؛ به عبارتی، مدیران برای آنکه افزایش هزینه‌های تامین مجدد منابع در بلندمدت را مدیریت کنند به کاهش کوتاه‌مدت درآمد واکنش متناسب نشان نمی‌دهند. به پشتوانه

این نظریه، هر چه هزینه‌های تعدیل منابع بیشتر باشد (مانند سطح بالای دارایی‌ها، مخارج سرمایه‌ای یا تعداد کارکنان) و یا ابهام بیشتری پیش‌روی مدیر قرار داشته باشد (مانند نوسانات فروش یا بازدهی) هزینه، رفتار چسبنده‌تری را از خود به نمایش می‌گذارد. نظریه نمایندگی: که رفتار نامتقارن هزینه را نشانه‌ای از رفتار فرصت‌طلبانه مدیر می‌داند که از مشکلات نمایندگی نشأت می‌گیرد؛ به این ترتیب، عواملی چون عملکرد مالی شرکت، اندازه شرکت و وضعیت تامین مالی شرکت می‌توانند بر رفتار هزینه از این منظر اثر بگذارند (هوکو و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۱؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۵۶).

تحقیقات اخیر نشان می‌دهند مدیران برای مدیریت سود از ترکیب اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که بتوانند برای دستیابی به اهداف خود بین هزینه‌های بکارگیری آنها توازن مناسبی را برقرار نمایند. این هزینه‌ها از ویژگی‌های شرکت اثر می‌پذیرد. از جمله ویژگی‌های مهمی است که در تحقیقات مختلف مورد توجه قرار گرفته، چرخه عمر شرکت می‌باشد (چن، ۲۰۰۹: ۷).

چرخه عمر شرکت، نقش بسزایی در شیوه اجرای عملیات آن ایفا می‌کند و در متون نظری، به چهار مرحله اصلی تقسیم شده که هر مرحله ویژگی‌های معینی را بر شرکت تحمیل می‌کند و بر ترکیب بکارگیری الگوی مدیریت سود (از طریق اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی) اثر می‌گذارند: مرحله ظهور: در این مرحله شرکت‌ها مبالغ زیادی را در مقایسه با سطح فروش و یا سهم بازارشان در فعالیت‌های بازاریابی و نوآوری سرمایه‌گذاری می‌کنند تا به این ترتیب بتوانند در بازار پذیرفته شوند و یا سهم بازار خود را افزایش دهند. بر همین اساس، خالص جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و عملیاتی شرکت‌ها در این مرحله به شکل خروجی است. آنچه مدیران را به سرمایه‌گذاری برمی‌انگیزد، باور آنها به دورنمای رشد شرکت است. شایان ذکر است تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیریت موجب می‌شود، سطح سود شرکت در کوتاه‌مدت کاهش یابد. به همین سبب، آنها در این مرحله درصدد برمی‌آیند سود را بیشتر از طریق اقلام تعهدی (و نه فعالیت‌های واقعی) مدیریت کنند؛ زیرا باورشان به عملکرد آتی شرکت، موجب می‌شود نگران اثر عکس اقلام تعهدی در بلندمدت نباشند (چن، ۲۰۰۹: ۶؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۵: ۴۴). ضمن آنکه آنها برای گزارش سود نیز تحت فشار قرار ندارند. به همین سبب، انتظار بر آن است شرکت‌های واقع در مرحله ظهور، بیشتر الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را بکار بندند.

مراحل رشد و بلوغ: شرکت‌ها در مرحله رشد گرچه تا حدودی به بازار معرفی شده‌اند اما برای توسعه عملیات خود نیازمند تامین مالی داخلی و خارجی هستند. شرکت‌هایی که در مرحله بلوغ

قرار دارند هم از سوی بازار تحت فشار هستند تا به سطوح معینی از سود دست یابند. بنابراین مدیران شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند انگیزه کافی برای مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی را دارند. این در حالیست که آنها اختیارات کافی برای کاهش سرمایه‌گذاری در نوآوری‌های کم‌بازده و فعالیت‌های بازاریابی و یا تعویق سرمایه‌گذاری در طرح‌های جدید را نیز دارند، زیرا در هر دو مرحله مدیران با سبندی از پروژه‌های مختلف مواجهند؛ بنابراین ترکیب انگیزه و اختیار، بستر مناسبی را برای مدیریت بیشتر سود از طریق فعالیت‌های واقعی فراهم می‌کند. اگرچه، این موضوع را نیز نباید از نظر دور داشت که دورنمای رشد پیش‌روی شرکت از جمله عواملی است که می‌تواند بر الگوی مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی شرکت‌هایی موثر باشد که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند (نگار و راداکریشنان، ۲۰۱۵: ۱۴). زیرا آنچه مدیران را ترغیب به چنین الگوی مدیریتی می‌کند آن است که آیا سودآوری آتی می‌تواند آثار معکوس این الگوی مدیریت سود را پوشش دهد. به همین سبب، انتظار بر آن است شرکت‌های واقع در مراحل رشد و بلوغ، بیشتر الگوی مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی را بکار ببرند. در عین حال، انتظار می‌رود میزان استفاده از ارقام تعهدی برای مدیریت سود در شرکت‌های فعال در مراحل رشد و بلوغ که دورنمای رشد بیشتری دارند در مقایسه با دیگر شرکت‌های واقع در این مراحل بیشتر باشد.

مرحله افول: در این مرحله شرکت‌ها به دلیل زوال فن‌آوری بکار رفته در عملیات، اقدام به کاهش حجم سرمایه‌گذاری و تغییرساختار می‌کنند. به همین دلیل مدیران شرکت‌های حاضر در این مرحله از اختیارات بالایی برای مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی برخوردار نیستند. زیرا در این مرحله، انحراف از تصمیم بهینه به واسطه فعالیت‌های واقعی جهت مدیریت سود هزینه‌های بالایی را برای شرکت به‌همراه دارد (نگار و راداکریشنان، ۲۰۱۵: ۱۴؛ ژانگ، ۲۰۱۲: ۶۷۹). به همین سبب، انتظار می‌رود شرکت‌های واقع در این مرحله بیشتر از الگوی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی استفاده نمایند.

پیشینه پژوهش

چن (۲۰۱۶)، نشان داد مدیران در مرحله بلوغ تمایل بیشتری به مدیریت سود دارند و به همین سبب کیفیت کنترل‌های داخلی در این مرحله می‌تواند به بهبود کیفیت سود کمک کند. اما چنین موضوعی در مراحل رشد و افول برقرار نیست. نگار و سن (۲۰۱۶)، به این نتیجه رسیدند که چرخه عمر بر الگوی طبقه‌بندی اجزای سود شرکت‌ها اثر می‌گذارد؛ به ویژه شرکت‌هایی که در مرحله افول قرار دارند از این شیوه برای اجتناب از گزارش زیان‌های عملیاتی استفاده می‌کنند. نگار و راداکریشنان (۲۰۱۵)، بیان کردند شرکت‌ها در مرحله رشد و بلوغ سودشان را از طریق فعالیت‌های واقعی مدیریت می‌کنند در حالیکه در مرحله ظهور چنین اقدامی را انجام نمی‌دهند و

این موضوع بر عملکرد آتی آنها اثر می‌گذارد. چنگ (۲۰۱۵)، بیان کرد فرایند ایجاد ارقام تعهدی عادی در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت متفاوت است و مدل تعدیل شده جونز نیز توان یکسانی در کشف مدیریت سود در مراحل مختلف چرخه عمر ندارد؛ به گونه‌ای که این مدل عملکرد بهتری در مراحل رشد و بلوغ به نمایش می‌گذارد. واروساویتارانا (۲۰۱۴)، نشان داد سودآوری شرکت طی مراحل چرخه عمر از مدل یو پیروی می‌کند؛ به این معنی که سودآوری شرکت از مرحله معرفی شروع به افزایش می‌نماید، در مرحله بلوغ به اوج خود می‌رسد و سپس در مرحله افول کاهش می‌یابد. ژانگ (۲۰۱۲)، بیان کرد تصمیم مدیر در خصوص استفاده از الگوی مدیریت سود ارقام تعهدی یا فعالیت‌های واقعی از هزینه‌های آنها اثر می‌پذیرد و ویژگی‌های شرکت با ایجاد محدودیت‌هایی بر ارقام تعهدی یا فعالیت‌های واقعی، تصمیمات مدیر در شیوه مدیریت سود را تغییر می‌دهند.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) بیان نمودند چرخه عمر شرکت (رشد، بلوغ و افول) بر رابطه کیفیت سود با عدم تقارن اطلاعاتی اثرگذار است؛ به گونه‌ای که شرکت‌های در مرحله رشد با بهبود کیفیت، عدم تقارن اطلاعات را کاهش می‌دهند. سرلک و همکاران (۱۳۹۴)، نشان دادند چرخه عمر شرکت با شیوه تامین مالی شرکت‌ها رابطه‌ای ندارد و شرکت‌ها در تامین مالی خود از روش سلسه مراتبی پیروی می‌کنند. پیری و همکاران (۱۳۹۳)، بیان کردند توانمندی‌های مدیریت در مراحل مختلف چرخه عمر اثر متفاوتی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد؛ به گونه‌ای که این توانمندی‌ها بر کیفیت گزارش مالی در مرحله رشد اثر مثبت دارد. مرادی و اسکندری (۱۳۹۳)، نشان دادند کیفیت سود شرکت‌ها (پیش‌بینی‌کنندگی و پایداری) در مراحل مختلف چرخه عمر متفاوت است و شرکت‌هایی که در مرحله افول قرار دارند از کیفیت سود پایین‌تری در مقایسه با دیگر شرکت‌ها برخوردارند. استا و قیطاسی (۱۳۹۰)، نشان دادند مدیران در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت (رشد، بلوغ و افول) به میزان متفاوتی از ارقام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که ارقام تعهدی اختیاری در مرحله رشد بیشتر و در مرحله بلوغ کمتر است. کرمی و عمرانی (۱۳۸۹)، هم بیان کردند معیارهای ریسک و عملکرد توان توضیح‌دهندگی متفاوتی در مراحل مختلف چرخه عمر (رشد، بلوغ و افول) دارند.

با توجه به تحقیقات مرور شده می‌توان به طور خلاصه بیان کرد: چرخه عمر با سودآوری شرکت و محتوای اطلاعاتی آن رابطه دارد (اروساویتارانا، ۲۰۱۴؛ کرمی و عمرانی، ۱۳۸۹)؛ با کیفیت سود (پایداری و پیش‌بینی‌کنندگی) رابطه دارد (مرادی و اسکندری، ۱۳۹۳)؛ بر ارقام تعهدی اختیاری اثرگذار است (استا و قیطاسی، ۱۳۹۰). به علاوه، مدیران الگوی متفاوتی از مدیریت سود را در مراحل مختلف چرخه عمر بکار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که این الگو در مراحل رشد و

بلوغ بیشتر مبتنی بر فعالیت‌های واقعی و در مرحله ظهور و افول بیشتر بر مبنای ارقام تعهدی است (چن، ۲۰۱۶؛ نگار و سن، ۲۰۱۶؛ نگار و راداکریشنان، ۲۰۱۵، چنگ، ۲۰۱۵؛ ژانگ، ۲۰۱۲). نکته آخر آنکه توانمندی‌های مدیران با کیفیت گزارشگری مالی در مرحله رشد رابطه دارد (پیری و همکاران، ۱۳۹۳) و بهبود کیفیت سود در این مرحله، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۵).

به این ترتیب، به پشتوانه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

فرضیه اول: شرکت‌هایی که در مراحل ظهور و افول قرار دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند، سود را به طور معنی‌داری بیشتر از طریق ارقام تعهدی مدیریت می‌کنند.

فرضیه دوم: هزینه در شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که در مراحل ظهور و افول قرار دارند، رفتار چسبنده‌تری دارد.

فرضیه سوم: دورنمای رشد در شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند با مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، از نظر فلسفه از نوع اثباتی، از نظر منطق اجرا از نوع قیاسی، از نظر هدف از نوع توضیحی، از نظر فرایند اجرا از نوع کمی، از نظر زمان انجام از نوع طولی - گذشته‌نگر و از نظر روش گردآوری داده‌ها از نوع آرشویی است (ساندرز و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۳۸). متغیرهای مستقل پژوهش، مراحل عمر شرکت شامل ظهور، رشد، بلوغ، افول، دورنمای رشد شرکت و متغیرهای وابسته مدیریت سود از طریق ارقام تعهدی و مدیریت واقعی سود است. متغیرهای نسبت سرمایه‌بری، اندازه شرکت، نرخ بازده دارایی‌ها و نسبت ریسک‌پذیری هم‌کنترلی هستند. ابتدا آماره‌های توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی محاسبه شده؛ سپس پایایی متغیرها بررسی گردیده و به منظور تعیین روش برآورد، آزمون چاو (F مقید) و هاسمن انجام می‌شود. در گام بعد باقیمانده‌های مدل به منظور برقراری مفروضات رگرسیون (ناهمسانی واریانس و همبستگی سریالی) آزمون خواهد شد. در پایان، نگاره ضرایب مدل رگرسیونی بکار گرفته شده تا معنی‌دار بودن ضرایب مدل (با بکارگیری $P - Value$ محاسبه شده و سطح خطای موردنظر α) تعیین شود.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند.

نمونه آماری پژوهش نیز به روش غربالگری و با در نظر گرفتن ویژگی‌های زیر تعیین شد:

- ۱- نام شرکت تا پایان سال مالی ۱۳۸۷ در فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران درج شده باشد و تا پایان سال مالی ۱۳۹۴ در فهرست باقی مانده باشد؛
- ۲- دوره مالی آن منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد؛

۳- طی دوره زمانی مورد بررسی، تغییر سال مالی یا فعالیت نداده، حذف نشده و یا توقف فعالیت نداشته باشد؛

۴- در گروه شرکت‌های فعال در صنعت واسطه‌گری‌های مالی نباشد؛

به این ترتیب تعداد ۱۴۹ شرکت (۱۱۹۲ شرکت- سال) بررسی شد.

مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی و داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی، بانک جامع اطلاعاتی پایگاه اینترنتی سازمان بورس و اوراق بهادار و نرم افزار ره‌آورد نوین گردآوری شد.

مدل‌های پژوهش

به منظور آزمون مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در مراحل مختلف چرخه عمر (فرضیه اول) از مدل زیر استفاده شد (نگار و راداکریشنان، ۲۰۱۵: ۲۰؛ چن، ۲۰۰۹: ۲۹):

$$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 LDum_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 Capital_{it} + \beta_4 Risk_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1) \text{ مدل}$$

که در آن:

AEM_{it} = شاخص اندازه‌گیری مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی شرکت i در دوره t است که به شیوه مندرج در مدل‌های (۲) و (۳) اندازه‌گیری شده است (لی و وتر، ۲۰۱۵: ۶۵؛ کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۷۴):

$$ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \left(\frac{1}{Taseets_{it-1}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta Rev_{it}}{Taseets_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{Taseets_{it-1}} \right) + \alpha_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2) \text{ مدل}$$

$$AEM_{it} = \sqrt{|\varepsilon_{it}|} \quad (3) \text{ مدل}$$

ACC_{it} = اقلام تعهدی است که از تفاوت سود خالص و جریان‌های نقد عملیاتی شرکت i در سال t حاصل شده است؛ این متغیر با استفاده از مجموع دارایی‌های ابتدای سال همگن گردیده است؛ $Taseets_{it-1}$ = مجموع دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$ است؛ ΔRev_{it} = تغییرات درآمدهای عملیاتی است که از تفاوت درآمد عملیاتی شرکت i در سال t و $t-1$ حاصل شده است؛

PPE_{it} = مجموع دارایی‌های ثابت شرکت i در سال t است؛

ROA_{it} = بازده دارایی‌ها است که از حاصل تقسیم سود پس از کسر مالیات شرکت i در سال t

بر کل دارایی‌های همان شرکت در پایان سال t حاصل شده است؛

ε_{it} = خطای برآورد ارقام تعهدی شرکت i در سال t با بکارگیری مدل است؛

مدل (۲) به شکل ترکیبی و در سطح هر صنعت برآورد شد (ژانگ، ۲۰۱۲: ۶۸۳).

$LDum_{it}$ = یک متغیر موهومی است که دوره عمر شرکت را نشان می‌دهد؛ چنانچه شرکت در مراحل ظهور یا افول قرار داشته باشد مقدار یک و در غیراینصورت مقدار صفر را اختیار می‌کند؛ مرحله عمر شرکت بر مبنای الگوی جریان‌های نقدی به شیوه زیر اندازه‌گیری شده است (کاسترو و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۹۱؛ دیکنسون، ۲۰۱۱: ۱۹۷۴):

مراحل چرخه عمر		ظهور	رشد	بلوغ	افول	نزول
جریان خالص وجوه نقد ناشی از						
عملیات						
-	+	+	+	-	-	+
فعالیت‌های سرمایه‌گذاری						
-	-	-	-	+	+	+
فعالیت‌های تامین مالی						
+	+	+	-	-	+	-

مالیات بر درآمد پرداختی در طبقه جریان خالص وجوه نقد ناشی از عملیات و سود پرداختی بابت تامین مالی در طبقه جریان خالص وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های تامین مالی و وجوه دریافتی بابت بازده سرمایه‌گذاری در طبقه وجوه نقد ناشی از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری قرار گرفت.^۱

$size_{it}$ = اندازه شرکت است که از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t حاصل می‌شود؛

$Capital_{it}$ = نسبت سرمایه‌بری است که از طریق خالص تغییرات در دارایی‌های ثابت شرکت i در سال t محاسبه شده است؛ که با استفاده از ارزش دفتری دارایی‌های همان شرکت در پایان سال همگن شد؛

$Risk_{it}$ = نسبت ریسک‌پذیری شرکت i در سال t است که با استفاده از مدل (۴) اندازه‌گیری شد (ادین، ۲۰۱۶: ۳۳۶):

$$Risk_{it} = \sqrt{\frac{1}{T} \sum_{t=3}^T (ROA_{it} - \overline{ROA}_{iT})^2} \quad \text{مدل (۴)}$$

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۵) استفاده شد (ژای و هانگ، ۲۰۱۵: ۷؛ هوکو و همکاران، ۲۰۱۵: ۴۲):

$$\begin{aligned} \ln \left[\frac{SGA_{it}}{SGA_{it-1}} \right] &= \beta_0 + \beta_1 \ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right] + \beta_2 D \ln Rev_{it} * \\ \ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right] &+ \beta_3 D \ln Rev_{it} * LDum_{it} * \ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right] + \beta_4 size_{it} + \\ &\beta_5 Capital_{it} + \beta_6 Risk_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل (۵)}$$

$SGA_{it} = (SGA_{it-1})SGA_{it}$ = هزینه‌های فروش و عمومی اداری شرکت i در سال t ($t-1$) است؛
 $Rev_{it} = (Rev_{it-1})Rev_{it}$ = درآمدهای عملیاتی شرکت i در سال t ($t-1$) است؛
 $DLnRev_{it}$ = متغیر موهومی است؛ اگر شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$ با کاهش درآمد مواجه باشد ۱ و در غیر این صورت صفر است.
 به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل (۶) استفاده شد (نگار و راداکریشنان، ۲۰۱۵: ۲۰؛ چن، ۲۰۰۹: ۲۹):

$$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 GrowthPers_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 Capital_{it} + \beta_4 Risk_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل (۶)}$$

که در آن:

$GrowthPers_{it}$ = شاخص سنجش دورنمای رشد شرکت است که از تقسیم تغییرات درآمدهای عملیاتی شرکت i در سال t و $t-1$ بر کل درآمدهای عملیاتی همان شرکت در سال t حاصل شده است.

این مدل در سطح شرکت‌هایی آزمون می‌شود که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند.

روش آزمون فرضیه‌ها پژوهش

ابتدا پایایی متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون فیشر (۲۰۰۱) آزمون شد؛ نتایج حاکی از آن بود متغیرها در سطح پایا هستند. بنابراین، نیازی به انجام آزمون هم‌انباشتگی نبود و از سطح متغیرها استفاده شد. سپس، با توجه به نتایج آزمون‌های چاو (ضریب لاگراتژ)، هاسمن و آزمون باقیمانده‌های مدل، از روش تصحیح خطاهای استاندارد (PCSE) در داده‌های پانل استفاده شد تا ضرایب مدل سازگار، بدون تورش و کارا (BLUE) باشند. خطاهای استاندارد و ماتریس واریانس-کوواریانس در این روش بر مبنای این فرض برآورد می‌شوند که باقیمانده‌های مدل در سطح مقاطع ناهمسانی واریانس دارند و باقیمانده‌های مقاطع به یکدیگر همبسته هستند؛ این در حالیست که امکان لحاظ همبستگی سریالی خطاها در هر مقطع در محاسبات وجود دارد. روش تصحیح خطاهای استاندارد در داده‌های پانل در شرایطی که باقیمانده‌ها توزیع یکسان و مستقل (i.i.d) ندارند یک جایگزین مناسب است. چنانچه خطاهای مدل ساختاری خودهمبسته نداشته باشند این مدل از روش حداقل مربعات عادی جهت برآورد پارامترها بهره می‌گیرد؛ اگرچه مادامیکه خطاها به یکدیگر وابسته باشند روش پریس و وینستن (P-W) بکار گرفته می‌شود (هان مانگ، ۲۰۱۱: ۴۲). به منظور آزمون فرضیه اول، ضریب β_1 در مدل (۱) بررسی می‌شود؛ چنانچه ضریب β_1 مثبت و معنی‌دار باشند، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌گردد. فرضیه دوم پژوهش نیز با استفاده از ضریب β_3 در مدل (۵) آزمون می‌شود؛ چنانچه این ضریب مثبت و معنی‌دار باشد

فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌گردد؛ به منظور آزمون فرضیه سوم نیز ضریب β_1 در مدل (۶) آزمون می‌گردد. چنانچه این ضریب مثبت و معنی‌دار باشند فرضیه سوم رد نمی‌گردد.

۴- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرها به شرح زیر می‌باشند:

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شرح متغیر	نماد ریاضی	میانگی	میانه	بیشی	کمین	انحراف معیار
مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی	AEM_{it}	۰/۲۶	۱/۲۵	۱/۷۵	۱/۰۱	۰/۱۲
دورنمای رشد	$GrowthPers_{it}$	۰/۱۷	۱/۱۲	۴/۶	-۱	۰/۴۴
لگاریتم نسبت درآمد عملیاتی	$Ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right]$	۰/۱۰	۱/۱۱	۱/۷	۲/۴	۰/۳۶
لگاریتم هزینه‌های فروش و عمومی اداری	$Ln \left[\frac{SGA_{it}}{SGA_{it-1}} \right]$	۰/۱۳	۱/۱۴	۲/۵	۲/۳	۰/۳۷
تغییرات درآمد	$DLnRev_{it}$	۰/۳	۰	۱	۰	۰/۴۶
مرحله عمر شرکت	$LDum_{it}$	۰/۳۵	۰	۱	۰	۰/۴۷
ریسک	$Risk_{it}$	۰/۰۵	۱/۰۴	۱/۰۳	۱/۰۰	۰/۰۷
اندازه	$size_{it}$	۱۳/۶	۱/۴	۱/۱	۹/۸	۱/۵
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA_{it}	۰/۰۷	۱/۰۷	۲/۱	۱/۵۸	۰/۱۵

بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی نشان داد بخش عمده‌ای از شرکت‌های نمونه در مرحله رشد و بلوغ قرار دارند؛ مقایسه میانگین دو متغیر لگاریتم نسبت درآمد عملیاتی و لگاریتم نسبت هزینه‌های فروش و عمومی اداری بیانگر آن است که تغییرات هزینه همگام با تغییرات درآمد نیست و هزینه‌ها از میانگین بیشتری برخوردارند که این خود نشانه‌ای مقدماتی از وجود رفتار چسبنده در هزینه‌هاست؛ این در حالیست که میانگین متغیر تغییرات درآمد نیز حاکی از آن است طی دوره پژوهش ۳۰٪ تغییرات درآمدی منفی بوده است. بررسی نمودار ساقه و برگ و نمودار چنک - چنک متغیر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی نشان داد استفاده از ریشه دوم برای قدرمطلق باقیمانده مدل (۳) مناسب است و رفتار چوله آن را اصلاح می‌کند. به منظور بررسی بیشتر، آمار توصیفی متغیرهای مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، لگاریتم نسبت درآمد عملیاتی و لگاریتم نسبت هزینه‌های فروش و عمومی اداری در مراحل ظهور و افول و مراحل رشد و بلوغ نیز محاسبه شد که در نگاره (۲) ارائه شده است:

نگاره ۲: آمار توصیفی برخی متغیرهای پژوهش به تفکیک مراحل چرخه عمر

شرح متغیر	نماد ریاضی	میانگی	میان	بیشینه	کمینه	انحراف
مراحل ظهور و افول	مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی	AEM_{it}	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۷۵	۰/۱۲
	لگاریتم نسبت درآمد عملیاتی	$Ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right]$	۰/۰۶	۰/۰۸	۱/۷	۰/۴۱
مراحل رشد و بلوغ	لگاریتم هزینه‌های فروش و عمومی اداری	$Ln \left[\frac{SCogs_{it}}{SCogs_{it-1}} \right]$	۰/۱	۰/۱	۲/۰۷	۰/۴۱
	اندازه شرکت	$size_{it}$	۱۳/۵	۱/۴	۱۸/۷	۱/۴
مراحل ظهور و افول	نرخ بازده دارایی	ROA_{it}	۰/۰۵	۰/۰۴	۲/۱	۰/۱۸
	مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی	AEM_{it}	۰/۲۴	۰/۲۳	۰/۷۳	۰/۱۱
مراحل رشد و بلوغ	لگاریتم نسبت درآمد عملیاتی	$Ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right]$	۰/۱۲	۰/۱۳	۱/۴	۰/۳۳
	لگاریتم نسبت هزینه‌های فروش و عمومی اداری	$Ln \left[\frac{SGA_{it}}{SGA_{it-1}} \right]$	۰/۱۴	۰/۱۵	۲/۵	۰/۳۵
مراحل ظهور و افول	اندازه شرکت	$size_{it}$	۱۳/۶	۱/۴	۱۹/۱	۱/۵
	نرخ بازده دارایی	ROA_{it}	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۶۳	۰/۱۳

شاخص‌های مندرج در نگاره (۲) حاکی از آن است شرکت‌ها در مراحل ظهور و افول در مقایسه با مراحل رشد و بلوغ اقلام تعهدی بیشتری را به کار می‌گیرند. این در حالیست که هزینه شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که دوران ظهور یا افول را می‌گذرانند رفتار چسبنده‌تری را از خود به نمایش می‌گذارد. به علاوه، شرکت‌هایی که در مراحل ظهور و افول قرار دارند اندازه کوچکتری دارند و از نرخ بازده پایین‌تری برخوردارند.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول

برای آزمون این فرضیه از مدل (۱) استفاده شد؛ ضرایب برآورد شده، سطح معنی‌داری ضرایب و شاخص‌های سنجش توانمندی مدل در نگاره (۳) ارائه شده است:

نگاره ۳: نتایج آزمون فرضیه اول

شرح	نماد ریاضی	ضری	مقدار	شرح	نماد	ضری	مقدار
مرحله عمر	$LDum_{it}$	β_1	۰/۰۵***	ریسک‌پذیری	$Risk_{it}$	β_4	۰/۱۱*

$$AEM_{it} = \beta_0 + \beta_1 LDum_{it} + \beta_2 size_{it} + \beta_3 Capital_{it} + \beta_4 Risk_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

اندازه شرکت	$size_{it}$	β_2	۰/۰۰۴	نرخ بازده	ROA_{it}	β_5	۰/۰۳
نسبت	$Capital_{it}$	β_3	۰/۳***	عرض از مبدا	--	β_0	۱۶***
آماره والد:	۹۴***	ضریب تبیین (R^2):	۰/۴۰	آماره رو			۰/۲۸
				(rhos)			

***، **، * به ترتیب معنی دار در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪

سطح معنی داری آماره والد بیانگر آن است که مدل توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. نتایج برآورد نشان داد متغیر مرحله عمر شرکت (β_1) رابطه مثبت و معنی داری (در سطح ۱٪) با مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی دارد؛ بنابراین، شرکت‌هایی که در مرحله ظهور و افول قرار گرفته‌اند خطای بیشتری در برآورد اقلام تعهدی دارند. به علاوه، متغیرهای ریسک‌پذیری و نسبت سرمایه‌بری نیز رابطه‌ای مثبت و معنی دار با اقلام تعهدی اختیاری دارند؛ به این معنی که هر چه ابهام پیش‌روی شرکت افزایش یابد و یا دارایی‌های ثابت بیشتری در اختیار شرکت قرار گیرد سطح اقلام تعهدی اختیاری نیز افزایش می‌یابد. آماره ضریب تبیین نیز حاکی از آن بود مدل توان توضیح ۴۰٪ از تغییرات متغیر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را داراست. به این ترتیب، فرضیه اول پژوهش رد نشد.

فرضیه دوم

برای آزمون این فرضیه‌ها از مدل (۵) استفاده شد؛ ضرایب برآورد شده، سطح معنی داری ضرایب و شاخص‌های سنجش توانمندی مدل در نگاره (۴) ارائه شده است:

نگاره ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم

$\ln \left[\frac{SGA_{it}}{SGA_{it-1}} \right] = \beta_0 + \beta_1 \ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right] + \beta_2 D \ln Rev_{it} * \\ \ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right] + \beta_3 D \ln Rev_{it} * LDum_{it} * \ln \left[\frac{Rev_{it}}{Rev_{it-1}} \right] + \beta_4 size_{it} + \\ \beta_5 Capital_{it} + \beta_6 Risk_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$							
ضریب	β_0	β_1	β_2	β_3	β_4	β_5	β_7
مقدار	۰/۱۸	۰/۲۱***	-۰/۱۳	۰/۱۷**	۰/۰۰۲		
ضریب							
مقدار	۰/۳۲*	۰/۰۹***					
آماره والد	۴۹	ضریب تبیین (R^2):	۰/۱۲				
سطح معنی داری	۰/۰۰۰	آماره رو (rhos)	۰/۰۷۶				

***، **، * به ترتیب معنی دار در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪

سطح معنی‌داری آماره والد بیانگر آن است که مدل توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. متغیر کنترل ریسک‌پذیری (β_6) به علت نداشتن رابطه معنی‌دار با متغیر وابسته و ناپایدار کردن مدل حذف شد. نتایج برآورد نشان داد متغیر درآمد (β_1) به طور میانگین رابطه مثبت و معنی‌داری با هزینه‌های فروش و عمومی اداری دارد؛ این در حالیست که شدت این رابطه در زمان کاهش درآمد کمتر است (منفی بودن ضریب β_2)؛ این بدین معنی است که هزینه به طور میانگین رفتاری چسبنده دارد. نتایج آزمون مدل (۵) حاکی از آن است که ضریب متغیر مرحله عمر شرکت (β_3) مثبت و معنی‌دار (در سطح ۵٪) است؛ از اینرو، نشان می‌دهد هزینه در شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که در مراحل ظهور و افول قرار دارد به طور معنی‌دار رفتار چسبنده‌تری دارد. به این ترتیب، فرضیه دوم پژوهش رد نشد.

فرضیه سوم

برای آزمون این فرضیه مدل (۶) استفاده شد. ضرایب برآورد شده، سطح معنی‌داری ضرایب و شاخص‌های سنجش توانمندی مدل در نگاره (۵) ارائه شده است:

نگاره ۵: نتایج آزمون فرضیه سوم

شرح	نماد ریاضی	ضری	مقدار	شرح	نماد	ضری	مقدار
دورنما	$GrowthPers_{it}$	β_1	۰/۱۸**	ریسک‌پذی	$Risk_{it}$	β_4	۰/۲۹***
اندازه	$size_{it}$	β_2	۰/۰۰۳	نرخ بازده	ROA_{it}	β_5	۰/۰۶*
نسبت	$Capital_{it}$	β_3	۰/۲۳***	عرض از	—	β_0	۰/۱۶***
آماره	۷۷***	ضریب تبیین (R^2):	۰/۵۴	آماره	۰/۱۸		

***، **، * به ترتیب معنی‌دار در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪

سطح معنی‌داری آماره والد بیانگر آن است که مدل توانسته است تغییرات در واریانس متغیر وابسته را به شیوه‌ای مناسب تبیین نماید. نتایج برآورد نشان داد متغیر دورنمای رشد شرکت (β_1) رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار با مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی دارد (در سطح ۵٪)؛ به این معنی که چنانچه دورنمای رشد در شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار گرفته‌اند بهبود یابد میزان بکارگیری الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی افزایش می‌یابد. این در حالیست که متغیرهای نسبت سرمایه‌بری و ریسک‌پذیری نیز رابطه‌ای مثبت با سطح اقلام تعهدی اختیاری دارد. از اینرو، افزایش ابهام پیش‌روی مدیران و سطح دارایی‌های ثابت در شرکت‌هایی که در

مرحله رشد و بلوغ قرار دارند نیز به بکارگیری بیشتر الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی یاری می‌رساند. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش رد نشد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مفهوم چرخه عمر نخستین بار در علم اندام‌شناسی پدیدار شد و به سرعت در سایر علوم از جمله علوم اجتماعی بکار گرفته شد. چندلر (۱۹۶۲)، با مطرح نمودن این بحث که ساختار سازمان‌ها در طول زمان متناسب با تغییرات راهبردی تغییر می‌کند، نقش مهمی در ارائه نظریه چرخه عمر شرکت داشت. بر اساس این نظریه، مدل سازمانی واحدی برای پوشش ویژگی‌های کلیه شرکت‌ها و دستیابی به کارآمدی سازمانی وجود ندارد. تکامل شرکت‌ها در طول سازمان با افزایش پیچیدگی‌های محیطی و سازمانی بر سیستم حسابداری شرکت‌ها اثر می‌گذارد. آنچه در نظریه چرخه عمر شرکت نقش کلیدی بازی می‌کند و با تغییر طی زمان، مراحل مختلف چرخه عمر شرکت را رقم می‌زند دورنمای رشد شرکت است. در طول سالیان گذشته محققان تلاش کرده‌اند رابطه چرخه عمر شرکت با متغیرهایی چون عملکرد مالی، راهبرد سازمانی، کیفیت گزارشگری مالی و تصمیمات مدیر را بررسی کنند (آبرو و همکاران، ۲۰۰۹: ۱). این در حالیست که وقوع برخی گزارشگری‌های متقلبانه در دهه گذشته و نقش مدیریت در شکل‌گیری آنها موجب شد نهادهای ناظر، چگونگی گزارشگری سود را با دقت بیشتری رصد کنند و به عواملی که زمینه‌ساز مدیریت سود هستند توجه بیشتری بنمایند تا بتوانند از اعتماد سرمایه‌گذاران صیانت کنند.

مدیران برای مدیریت سود عموماً از ترکیب دو الگوی اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی بهره می‌گیرند؛ اینکه ترکیب این دو الگو چگونه است وابسته به ویژگی‌های شرکت و شرایط پیش‌روی آن است (حسن و ابراهیم، ۲۰۱۴: ۳۸). به همین سبب، این سوال به ذهن خطور می‌کند که آیا به اتکای چرخه عمر شرکت می‌توان الگوی غالب مدیریت سود شرکت را معین کرد. در این پژوهش، رابطه چرخه عمر شرکت با الگوی مدیریت سود آزمون شد. هدف آن بود ترکیب الگوی مدیریت سودی که مدیر در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت بکار می‌گیرد را تعیین نمود؛ و اثرگذاری عامل دورنمای رشد را هم بر این ترکیب بررسی کرد. به این منظور، نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۴ از طریق الگوی جریان‌های نقدی عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تامین مالی و با بکارگیری مدل دیکنسون (۲۰۱۱) در قالب چهار مرحله ظهور، رشد، بلوغ و افول دسته‌بندی شدند؛ سپس، الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی با استفاده از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) و الگوی مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی به استناد رفتار چسبنده هزینه‌های فروش و عمومی اداری سنجیده شد. نتایج نشان داد الگوی مدیریت سود شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت متفاوت

است؛ به این معنی که ویژگی‌های حاکم بر شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر بر تصمیمات مدیر در خصوص شیوه مدیریت سود اثرگذار است؛ این نتیجه با نتایج برخی تحقیقات همگرا است که چرخه عمر را عاملی موثر بر سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی شرکت می‌دانستند (اروساویتارانا، ۲۰۱۴؛ کرمی و عمرانی، ۱۳۸۹؛ مرادی و اسکندری، ۱۳۹۳). ضمن آنکه، شرکت‌هایی که در مراحل ظهور و افول قرار دارند سود را به میزان بیشتری از طریق اقلام تعهدی مدیریت می‌کنند (فرضیه اول پژوهش) و شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند به میزان بیشتری از فعالیت‌های واقعی برای مدیریت سود استفاده می‌کنند (فرضیه دوم پژوهش). این نتیجه با نتایج برخی تحقیقات که بیان کردند شرکت‌ها در مراحل ظهور و افول بیشتر از اقلام تعهدی برای مدیریت سود بهره می‌گیرند و در مراحل رشد و بلوغ به استفاده از فعالیت‌های واقعی برای مدیریت سود متمایل می‌شوند سازگار است (چن، ۲۰۱۶؛ نگار و سن، ۲۰۱۶؛ نگار و راداکریشنان، ۲۰۱۵، چنگ، ۲۰۱۵؛ ژانگ، ۲۰۱۲)؛ اگرچه با نتایج برخی دیگر از تحقیقات همگرا نبود (قیطاسی و استا، ۱۳۹۰)؛ عاملی که می‌توان در مشاهده چنین نتیجه‌ای موثر دانست شاخص اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری در این پژوهش است. البته نتایج تحلیل‌های بیشتر این پژوهش که ارائه نشد نشان داد شرکت‌ها در مرحله بلوغ در مقایسه با دیگر مراحل چرخه عمر شرکت از کمترین سطح اقلام تعهدی اختیاری بهره می‌گیرند که با نتایج تحقیق قیطاسی و استا (۱۳۹۰) همگرا است اما بیشترین سطح اقلام تعهدی متعلق به مرحله ظهور شرکت‌ها بود. نتایج این پژوهش نشان داد عامل دورنمای رشد با سطح اقلام تعهدی در شرکت‌هایی که در مراحل رشد و بلوغ قرار دارند رابطه مثبت دارد؛ به گونه‌ای که سهم الگوی مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی را افزایش می‌دهد. چنین نتیجه‌ای را می‌توان ناشی از افزایش ابهام پیش روی مدیر دانست که اختیارات مدیر را در برآورد اقلام تعهدی افزایش می‌دهد. رابطه مثبت متغیر ریسک‌پذیری با سطح اقلام تعهدی نیز تاییدی بر این تفسیر است. هر تحقیقی در مسیر انجام خود با مسائلی مواجه می‌شود که محقق را ناچار می‌سازد به منظور کاهش آثار آن اقداماتی را تعبیه کند و بدین جهت دسترسی به نتایج مطلوب را محدود می‌سازد؛ در این پژوهش نیز حفظ کارآمدی مدلها و حجم پایین شرکت‌های فعال در مرحله نزول محقق را بر آن داشت مراحل افول و نزول را یک مرحله لحاظ کند که شایسته است در تفسیر نتایج موردتوجه قرار گیرد.

آنچه در این پژوهش حاصل شد آنکه، چرخه عمر شرکت بیانگر ویژگی‌هایی است که می‌تواند تصمیمات مدیر را در خصوص چگونگی مدیریت سود تحت تاثیر قرار دهد به همین سبب توجه به نقش آن در سنجش کیفیت گزارشگری مالی و کارآمدی اقدامات مدیریت حایز اهمیت است؛ بدین سبب در تحقیقاتی که اخیراً در این حوزه انجام می‌شود محققان در مدل‌های سنجش مدیریت سود به ویژه مدل‌های مرتبط با مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی، مراحل چرخه عمر را

نیز دخیل می‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود نهادهای ناظر و متولیان حوزه کیفیت گزارشگری در طراحی و تدوین شاخص‌های پایش گزارشگری شرکت‌ها به این موضوع توجه نمایند؛ اگر چه در دستورالعملها و چک لیست‌های جامعه حسابداران رسمی ابلاغی به حساب‌رسان، مرحله چرخه عمر در شناخت کلی فعالیت‌های شرکت به عنوان متغیری اثرگذار معرفی شده است؛ اما در بستر اجرایی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. به علاوه آنچه سبب شده است پدیده دستکاری سود از طریق فعالیت‌های واقعی در تحقیقات مورد توجه قرار گیرد اثرات سوء این شیوه است؛ به گونه‌ای که منافع بلندمدت سرمایه‌گذاران را در مقابل منافع کوتاه‌مدت مدیران قرار می‌دهد. این در حالیست که شناخت مصادیق چنین مدیریتی با دشواری‌هایی همراه است که آگاهی از آن جزئیات افشای متفاوتی را طلب می‌کند. به همین سبب، لحاظ افشای تفضیلی‌تر در خصوص سیاست‌های مدیریت هزینه در مواقع کاهش درآمد از جمله موضوعاتی است که می‌بایست توسط نهادهای ناظر مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب با آگاهی از اقدامات اجرایی مدیران در مدیریت هزینه در کنار مرحله چرخه عمر شرکت می‌توان به ارزیابی کیفیت گزارشگری و سطح تضاد منفعت ناشی از نمایندگی مدیر دست یافت.

بررسی ادبیات موضوعی پژوهش حاکی از آن بود مکانیزم‌های راهبری شرکتی می‌توانند از رفتارهای منفعت‌طلبانه مدیران بکاهند اگرچه میزان اثرگذاری آنها به عوامل متفاوتی وابسته است. از اینرو پیشنهاد می‌شود محققان در تحقیقات آتی چگونگی اثرگذاری ساختار راهبری شرکت به عنوان یک عامل نظارتی را بر اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی در مراحل مختلف چرخه عمر آزمون کنند و بررسی نمایند کدامیک از مکانیزم‌های راهبری شرکتی می‌تواند در این حوزه نقش موثرتری را ایفا کند. در ضمن می‌توان انواع تصمیمات عملیاتی مدیر از جمله سطح سرمایه در گردش، شیوه تامین مالی و سیاست‌های مدیریت ساختار سرمایه را نیز در مراحل مختلف چرخه عمر آزمون کرد و بدین ترتیب اثر ویژگی‌های حاکم در مرحله چرخه عمر شرکت‌ها را بر دامنه‌ای از تصمیمات مدیر سنجید. در پایان آنکه در ادبیات پژوهشی، چگونگی معاملات با اشخاص وابسته در شرکت‌های گروه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ بر این اساس، پیشنهاد می‌شود محققان نقش چرخه عمر شرکت را در معاملات با اشخاص وابسته و بر راهبردهای مدیریتی شرکت‌های تحت کنترل را مورد بررسی قرار دهند.

یادداشت‌ها

۱- این تعدیلات، به پشتوانه بند ۳۳ استاندارد بین المللی حسابداری شماره ۷ با عنوان صورت جریان وجوه نقد انجام شد.

کتابنامه

۱. ابراهیمی، سیدکاظم، بهرامی‌نسب، علی و جعفری‌پور، خدیجه. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر کیفیت حسابداری بر عدم تقارن اطلاعاتی با در نظر گرفتن چرخه عمر شرکت‌ها، *دانش حسابداری مالی*، ۱۳(۱): ۹۳-۱۱۰.
۲. استا، سهراب و قیطاسی، روح‌الله. (۱۳۹۱). اثر چرخه عمر واحد تجاری بر ارقام تعهدی اختیاری، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۴(۱): ۸۹-۱۰۳.
۳. پیری، پرویز؛ دیدار، حمزه؛ خدایار یگانه، سیما. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲۱(۳): ۹۹-۱۱۸.
۴. سرلک، نرگس، فرجی، امید و بیات، فاطمه. (۱۳۹۴). رابطه ویژگی‌های مالی شرکت و ساختار سرمایه در مراحل چرخه عمر شرکت، *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۲(۲۷): ۱-۲۱.
۵. کرمی، غلامرضا و عمرانی، حامد. (۱۳۸۹). تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۵(۳): ۴۹-۶۴.
۶. مرادی، محمد و هدی، اسکندری. (۱۳۹۳). بررسی کیفیت سود طی چرخه عمر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *دانش حسابداری*، ۵(۱۹): ۱۳۹-۱۲۱.

7. Abraao, F., Karine, L., & Renaldo, P. (2009). The Contribution of Organizational Life Cycle Theories for Management Accounting Research, POMS 20th Annual conference.

8. Banker, R., & Fang, S. (2013). Loan Financing and Real Cost Management. available at www.ssrn.com.

9. Castro, p., Fernandez, M., Tapia, B., & Miguel, A. (2016). Target Leverage and Speed of Adjustment along the Life Cycle of European Listed Frms, *BRQ Business Research Quarterly*, 19: 188-205.

10. Chang, H. S. (2015). Firm Life Cycle and Detection of Accrual-based Earnings Manipulation, Doctoral dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign.

11. Chen, T. (2016). Internal Control, Life Cycle and Earnings Quality—An Empirical Analysis from Chinese Market. *Open Journal of Business and Management*, 4(2), 301-311.

12. Chen, S, Xu, S, & Wu, D. (2014). Corporate Governance and the Asymmetric Behavior of Selling, General and Administrative Costs: The Evidence from State Antitakeover laws, Available at: www.ssrn.com.

13. Chen. Z. (2009). The Choice Between Real activity and Accounting Earning Management, Available at: www.ssrn.com

14. Cohen, D., Pandit, S., Wasley, C., & Zach, T. (2016). Measuring Real Activities Management. Available at www.ssrn.com.
15. Dickinson, V. (2011). Cash Flow Patterns as a Proxy for Firm Life Cycle. *The Accounting Review* 86(6), 1969-1994.
16. Drake, K. D. (2015). Does Firm Life Cycle Inform the Relation Between Book-Tax Differences and Earnings Persistence? Working Paper, University of Arizona.
17. Graham, J., Campbell, R., & Rajgopal, S. (2005). The Economic Implications of Corporate Financial Reporting, *The Journal of Accounting and Economics*, 40(1):3-73.
18. Gunny, K. (2010). The Relation Between Earnings Management Using Real Activities Manipulation and Future Performance: Evidence from Meeting Earnings Benchmarks, *Contemporary Accounting Research* 27(3): 855-888.
19. Hassan, S., & Ibrahim, G. (2014). Governance Attributes and Real Activities Manipulation of Listed Manufacturing Firms in Nigeria, *International Journal of Accounting and Taxation*, 2 (1): 37-62.
20. Ho koo, J., Song, S., & Paik, T. (2015). Earnings Management and Cost Stickiness. *Accounting Science and Technology Letter*, Vol.84, Pp. 40-44.
21. Hun Myoung, P., (2011). Practical Guide to Panel Data Modelling: Step by Step Analysis Using Stata, available at www.iuj.jp.
22. Joosten, C. (2012). Real Earnings Management and Accruals based Earnings Management as Substitutes, Master thesis, Tilburg university.
23. Kothari, S.P., Leone, A.J. & Wasley, C.E. (2005). Performance Matched Discretionary Accrual Measures, *Journal of Accounting and Economics*, 39: 163-197.
24. Lee, B., & Vetter, W. (2015). Critical Evaluation of Accrual Models in Earnings Management Studies, *Journal of Accounting and Finance*, 15(1):62-71.
25. Nagar, N., & Radhakrishnan, S. (2015). Firm Life Cycle and Real-Activity Based Earnings Management. Available at www.ssrn.com.
26. Nagar, N., & Sen, K. (2016). Classification Shifting: Impact of Firm Life Cycle. Available at www.ssrn.com.
27. Rankin, M, Patricia ,S, McGowan, S, Ferlauto, k., & Tilling, M. (2012). *Contemporary Issues in Accounting*, Wiley Publication.
28. Saunders, M., Lewis, p., & Thornhill, A. (2009). *Research Methods for Business Students*, Pearson education edited, 5th.
29. Schipper, K. (1989). Earnings management. *Accounting Horizons*, 3 (1): 91-102.
30. Xu, S, & Hong, Y. (2015). Earnings Management, Corporate Governance and Expense Stickiness. *China Journal of Accounting Research*, Article in Press.
31. Uddin, M. (2016). Effect of Government Share Ownership on Corporate Risk

32. Taming: Case of the United Arab Emirates, *Research in International Business and Finance*, 36: 322-339.

33. Warusawitharana, M. (2014). Profitability and the Life cycle of Firms. Available at www.ssrn.com.

34. Zhang, A. (2012). Evidence on the Trade-off Between Real Activities Manipulation and Accrual Based Earnings Management, *The Accounting Review*, 87(2):675-703.

Archive of SID